

A Phenomenological Study of the Perception of Islamic Revolutionary Guard Corps Personnel on Counseling and Its Effects

Javad Khodadadi
Sangdeh 

Assistant Professor, Department of Counseling,
Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran

Zohreh Moradi  *

M.Sc Counseling, Allameh Tabatabaei University,
Tehran, Iran

Accepted: 12/10/2025

Abstract

Today, counseling and utilizing related services are considered one of the fundamental needs of individuals on the path to achieving personal and social well-being. The way individuals perceive this field directly affects the extent and quality of their use of counseling services. Accordingly, the present study was conducted with the aim of identifying the perceptions of employees of the Islamic Revolutionary Guard Corps (IRGC) regarding counseling and its services. This research was carried out using a qualitative approach and phenomenological method. The participants included 12 employed men from the IRGC in Hamadan Province in the year 1404 (2025-2026), who were purposively selected. Data were collected through semi-structured interviews and, after transcription, were analyzed using thematic analysis. The results of the data analysis led to the identification of seven main themes in the perceptions of IRGC employees regarding counseling and its services, which include: counseling as a supportive and trustworthy resource in conflicting and critical situations; counseling as a competency-based profession; a useful and effective profession; a profession based on expertise and skill; a profession based on trust; the necessity of attention to cultural

Received: 08/07/2023

ISSN: 2345-6051

eISSN: 2476-6178

* Corresponding Author: teacherzohre1375@gmail.com

How to Cite: Khodadadi Sangdeh, J., Moradi, Z. (2026). A Phenomenological Study of the Perception of Islamic Revolutionary Guard Corps Personnel on Counseling and Its Effects, *Journal of Culture of Counseling and Psychotherapy*, 16(64), 155-180. DOI: 10.22054/qccpc.2025.74715.3152

and local components in providing counseling services; and finally, negative perceptions of counseling arising from individual and functional factors. Based on the findings of this study, counseling is perceived on one hand as a specialized, essential, culture-oriented, and acceptable profession, and on the other hand, it may be accompanied by negative attitudes influenced by the performance of counselors or personal and social factors. Overall, it can be concluded that strengthening the practical and professional skills of counselors, along with attention to their personality traits, plays a fundamental role in improving clients' attitudes especially in military environments and increasing their satisfaction with counseling services.

Keywords: Perception, Phenomenology, Consulting Services, Military Personnel, Qualitative Study.



مطالعه پدیدارشناسانه ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی از مشاوره و تأثیرات آن

جواد خدادادی سنگده  استادیار گروه مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

زهره مرادی  * کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

امروزه مشاوره و بهره‌مندی از خدمات مرتبط با آن، یکی از نیازهای اساسی انسان در مسیر دستیابی به بهزیستی فردی و اجتماعی به شمار می‌رود. نوع ادراک افراد از این حوزه، تأثیر مستقیمی بر میزان و کیفیت استفاده از خدمات مشاوره‌ای دارد. بر همین اساس، پژوهش حاضر باهدف شناسایی ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی نسبت به مشاوره و خدمات آن انجام شده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و به روش پدیدارشناسی انجام گرفت. مشارکت‌کنندگان شامل ۱۲ نفر از مردان شاغل در سپاه پاسداران اسلامی استان همدان در سال ۱۴۰۴ بودند که به‌صورت هدفمند انتخاب شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و پس از پیاده‌سازی، با استفاده از روش تحلیل مضمون موردبررسی و تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها به شناسایی هفت مضمون اصلی در ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی نسبت به مشاوره و خدمات آن انجامید که عبارت‌اند از: مشاوره به‌عنوان منبعی حمایتی و قابل‌اعتماد در شرایط متعارض و بحرانی، مشاوره به‌عنوان حرفه‌ای صلاحیت‌محور، حرفه‌ای سودمند و اثربخش، حرفه‌ای مبتنی بر تخصص و مهارت، حرفه‌ای مبتنی بر اعتماد، ضرورت توجه به مؤلفه‌های فرهنگی و بومی در ارائه خدمات مشاوره‌ای و در نهایت، ادراک منفی نسبت به مشاوره ناشی از عوامل فردی و عملکردی. بر اساس یافته‌های این پژوهش، مشاوره از یک سو به‌عنوان حرفه‌ای تخصصی، ضروری، فرهنگ‌محور و قابل‌قبول درک می‌شود و از سوی دیگر، ممکن است تحت تأثیر عملکرد مشاوران یا عوامل شخصی و اجتماعی با نگرش منفی همراه گردد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که تقویت مهارت‌های عملی و تخصصی مشاوران، همراه با توجه به ویژگی‌های شخصیتی آنان، نقشی اساسی در بهبود نگرش مراجعان، به‌ویژه در محیط‌های نظامی و افزایش رضایت آن‌ها از خدمات مشاوره‌ای ایفا می‌کند.

کلیدواژه‌ها: ادراک، پدیدارشناسی، خدمات مشاوره، کارکنان نظامی، مطالعه کیفی.

* نویسنده مسئول: teacherzohre1375@gmail.com

مقدمه

با توجه به پیچیدگی‌های فزاینده در محیط‌های کاری و فشارهای اقتصادی و اجتماعی، توجه به سلامت روانی کارکنان به یکی از ضرورت‌های اساسی در سازمان‌ها تبدیل شده است (فضل‌طلب، جمشیدی و جباری، ۱۴۰۴). در صورتی که سلامت روان کارکنان نادیده گرفته شود، پیامدهایی چون فرسودگی شغلی، استرس مزمن، اضطراب و افسردگی پدیدار می‌شود که این عوامل می‌توانند عملکرد فردی و سازمانی را به شدت تحت تأثیر قرار دهند (جواهری، حسینی و کامرانی، ۱۴۰۱). در این میان، استرس شغلی به عنوان یکی از عوامل کلیدی در کاهش کیفیت زندگی کاری و سلامت روان کارکنان، به ویژه در بخش دولتی، شناخته می‌شود (نیاوند و تندپور، ۱۴۰۴). این مسئله در محیط‌های نظامی نمود بیشتری دارد؛ چرا که کارکنان نظامی به طور مداوم در معرض مأموریت‌های بحرانی، احتمال حضور در جنگ، جابه‌جایی‌های مکرر و دوری طولانی مدت از خانواده قرار دارند. چنین شرایطی آنان را با سطوح بالایی از استرس مزمن مواجه می‌سازد؛ استرسی که آثار گسترده و عمیقی بر سلامت روانی این گروه از کارکنان برجای می‌گذارد (بوربور، معینی و طاهری، ۱۳۹۸). پژوهش آزادمرزی، زمانی نسب و هاشمی زاده (۱۳۹۱) نشان داده‌اند که میزان شیوع اختلالات روانی در کارکنان یکی از نیروهای نظامی ۱۶/۳۰ است. بهداشت روان، اساس کارایی شغلی است؛ در مشاغل نظامی این همبستگی به ویژه قوی‌تر است. مطالعات انجام‌شده، محیط نظامی را یکی از مهم‌ترین منابع خطر برای سلامت روان می‌دانند و بر ضرورت ارائه مداخلات مشاوره‌ای و روان‌شناختی برای این گروه تأکید می‌کنند (اسکندری و همکاران، ۱۳۹۰). مشاوره به عنوان یکی از شاخه‌های عرصه بهداشت و روان، از جمله ضروری‌ترین رشته‌ها و مشاغل موردنیاز در جامعه کنونی می‌باشد که نقش اساسی در توانمندسازی افراد جهت غلبه بر مشکلات خویش در ابعاد مختلف تحصیلی و شغلی و بهداشتی و خانوادگی دارد (محمدی احمدآبادی و میرحسینی چاهوکی، ۱۴۰۱). با این حال، برای طراحی برنامه‌هایی اثربخش، ضروری است تا ادراک کارکنان نظامی در قالب ویژگی‌های عاطفی، شناختی و رفتاری به طور دقیق بررسی شده و در نظر گرفته شود

(رنجبر؛ آرانی و جمشیدی‌راد، ۱۳۹۵). مردان نظامی اغلب مشاوره را با تردید آغاز می‌کنند، اما زمانی که احساس کنند مشاور آن‌ها را قضاوت نمی‌کند و به تجربه زیسته‌شان احترام می‌گذارد، احتمال ادامه جلسات به‌طور قابل‌توجهی افزایش می‌یابد (Smith et al, ۲۰۱۶). وضعیت اختلالات و آسیب‌های روانی در افراد مراجعه‌کننده به مراکز خدمات روان‌شناختی می‌توانند نشانگر دیدگاه مردم نسبت به استفاده از خدمات روان‌شناختی و مشاوره باشند (عیسی مراد، ۱۴۰۴). در این راستا، اهمیت و ضرورت این پژوهش با بررسی خدمات روانی-مشاوره‌ای گذشته نظام‌های نظامی برجسته می‌گردد. از دوره «شوکه جنگی» در جنگ جهانی اول که به تأسیس مراکز ابتدایی روان‌پزشکی و روان‌شناسی منجر گردید تا خشونت‌ها و رویکردهای گروه‌درمانی جنگ جهانی دوم که بعدها به شکل‌گیری خدمات بالینی و برنامه‌های تاب‌آوری روان‌شناختی منتهی شد. این تجربه‌ها ثابت کردند که روان‌شناسی بالینی نظامی نقش حیاتی در بازگرداندن سربازان به فعالیت عملیاتی داشته است. مطالعه‌ای نوین تحت عنوان «بازنگری روایتی مشاوره نظامی» که در فوریه ۲۰۲۲ منتشر شد، نشان‌دهنده تنوع خدمات مشاوره‌ای شامل مشاوره بالینی، حرفه‌ای و خانوادگی برای نظامیان و اعضای خانواده‌شان است؛ اگرچه هنوز نیاز به تحقیقات بیشتر احساس می‌شود. در بستر ایران، مطالعاتی نظارتی و پیمایشی همچون بررسی اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی در کارکنان در یک واحد نظامی نشان داد که آموزش درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد باعث افزایش معنادار کیفیت زندگی در مراحل پس‌آزمون و پیگیری شده است (کلاتری؛ یازرلو و مهرابی، ۱۳۹۶). مطالعه همه‌گیرشناسی اختلالات روانی در کارکنان یگان‌های زمینی یکی از نیروهای نظامی مستقر در تهران در سال ۱۳۸۷، با استفاده از پرسشنامه (SCL-90-R)، میزان شیوع اختلالات روانی را حدود ۳۵/۵ درصد نشان داد و ارتقای برنامه‌های بهداشت روان نظامی را ضروری دانست. مرادی و زهدی رونق (۱۴۰۳) در مطالعه خود نشان دادند که تقویت ارائه خدمات مشاوره در بخش‌های مختلف شغلی از جمله امور نظامی، در بهبود شرایط روانی و کسب رضایت مراجعین تأثیر اساسی دارد. همچنین مطالعه‌ای مروری در سال

۱۳۹۰ نشان داد که شرایط محیط کار، سن، سابقه کار و رضایت شغلی، به‌ویژه در رده‌های افسران جزء، نقش تعیین‌کننده‌ای در سطح استرس شغلی کارکنان دارد. عملکرد کارکنان در تمامی سازمان‌ها، به‌ویژه در سازمان‌های نظامی، از اهمیت بالایی برخوردار است. در صورت ضعف عملکرد در زمان بحران، ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری به‌نظام، یکپارچگی کشور و امنیت مردم وارد شود؛ بنابراین، ارتقاء سطح عملکرد کارکنان در سازمان‌های نظامی، نه تنها یک ضرورت سازمانی بلکه یک اولویت ملی محسوب می‌شود (عباسی اسفنجانی، ۱۴۰۲). سلامت روان کارکنان نیروهای نظامی با توجه به ماهیت و حساسیت شغلی آن‌ها از اهمیت بسیار ویژه‌ای برخوردار می‌باشد (آزادمرزی؛ زمانی نسب و هاشمی زاده، ۱۳۹۱). بااین‌وجود، اگرچه مطالعاتی درباره میزان نیاز به مشاوره و شایستگی مشاوران در نیروهای مسلح ایران صورت گرفته، ولیکن شناخت ادراک این کارکنان نسبت به خدمات مشاوره و تأثیرات آن مغفول مانده است. به‌عبارتی، درحالی‌که شایستگی مشاوران موردبررسی قرار گرفته، هم‌راستا بودن آن‌ها با ادراک واقعی کارکنان، واکاوی نشده است. در پژوهش کاتزوویتز (2023) موانعی مانند انگ اجتماعی در مراقبت‌های سلامت روان در ارتش بسیار رایج هستند و ممکن است مانع از مراجعه اعضای ارتش به خدمات موردنیازشان شوند. سؤال پژوهشی این مطالعه چنین است ادراک مردان شاغل در نیروهای سپاه پاسداران اسلامی نسبت به نقش و استفاده از خدمات مشاوره‌ای و تأثیرات آن در حوزه‌های تحصیلی، شغلی، خانوادگی و اجتماعی چگونه است؟ تمرکز این تحقیق نه فقط بر وجود خلأ پژوهشی، بلکه بر ضرورت کاربردی شناخت ادراک کارکنان برای برنامه‌ریزی خدمات روانی-مشاوره‌ای نظامی مبتنی بر نیاز واقعی تأکید دارد. چنین دانشی می‌تواند شالوده تولید نظریه بومی، طراحی عدالت‌محور مراکز مشاوره و بالا بردن کیفیت حضور و عملکرد مشاوران متخصص در محیط نظامی را فراهم آورد.

روش پژوهش

تحقیق حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی است. جمعیت پژوهش شامل کارکنان شاغل در پست‌های نظامی بود که در سال ۱۴۰۴ در سازمان‌های نظامی

استان همدان مشغول به کار بودند. بر اساس منطق نمونه گیری هدفمند، در این پژوهش برای انتخاب مشارکت کنندگان از روش در دسترس استفاده شد. ملاک‌های مورد توجه جهت گزینش و ورود مشارکت کنندگان در نمونه پژوهش شامل: سابقه فعالیت در پست‌های نظامی حداقل به مدت ۵ سال، داشتن مدرک تحصیلی کارشناسی، تأهل و بازه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال بود. ملاک‌های خروج از نمونه پژوهش شامل افرادی بود که سابقه فعالیت آن‌ها در پست‌های نظامی کمتر از ۵ سال بوده، دارای مدرک تحصیلی پایین‌تر از کارشناسی بوده، مجرد بوده یا در بازه سنی ۳۰ تا ۴۵ سال قرار نداشتند. همچنین افرادی که به دلایل شخصی تمایلی به ادامه همکاری و مشارکت در مصاحبه‌ها نداشتند یا در مراحل انجام مصاحبه انصراف دادند نیز از نمونه پژوهش خارج شدند. حجم نمونه بر اساس نمونه گیری هدفمند و مبتنی بر اشباع نظری تعیین شد. بر این اساس هرگاه در ادامه تحقیق و انجام مصاحبه این نتیجه حاصل شد که هیچ پاسخ جدیدی دریافت نمی‌کنیم و مشارکت کنندگان بعدی همان پاسخی را می‌دهند که مشارکت کنندگان قبلی داده‌اند، اصطلاحاً به اشباع نظری رسیده‌ایم و در اینجا انجام مصاحبه و گردآوری اطلاعات را متوقف می‌کنیم؛ که در طی این پژوهش، پس از انجام مصاحبه با ۱۲ نفر، فرایند مصاحبه‌ها متوقف شد. مشارکت کنندگان طبق اطلاعات جمعیت شناختی جدول (۱) انتخاب و مصاحبه‌ها انجام شد. در پژوهش حاضر با توجه به این که ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه-ی نیمه ساختاریافته بود، چهارچوب کلی سؤالات از قبل در راستای اهداف پژوهش مشخص شده بود. با این وجود، سؤالات انعطاف پذیر طراحی شده بود و بنا به صلاحدید، در حین مصاحبه به ضرورت سؤالات را تغییر داده و یا ترتیب آن‌ها به شکلی مناسب‌تر جابه‌جا می‌شد. در شروع انجام مصاحبه‌ها، پس از بیان محرمانه بودن اطلاعات و استفاده از این اطلاعات صرفاً در حوزه پژوهش مربوطه، اجازه ضبط مصاحبه‌ها از مشارکت کنندگان گرفته شد. در طی مصاحبه هر زمان که لازم بود از سؤالات کاوش گرانه مانند «می‌توانید در این باره توضیح بیشتری دهید؟ یا ممکن است پاسخ خودتان را به‌طور ساده‌تر با وضوح بیشتری بفرمایید؟» جهت دستیابی به اطلاعات غنی‌تر استفاده شد. مصاحبه‌ها با تعیین زمان

مشخص شده قبلی و بدون حضور فرد دیگری انجام شد. هر مصاحبه به طور میانگین در ۴۵ دقیقه انجام می‌شد. داده‌ها در طول یک دوره سه‌ماهه (از مرداد تا شهریور) جمع‌آوری، ثبت و کدگذاری شد. پیش از انجام مصاحبه در رابطه‌ی ملاحظات اخلاقی پژوهش، در مورد هدف پژوهش و رعایت اصل رازداری اطلاعاتی به صورت کلی به شرکت‌کنندگان پژوهش داده شد و شرکت‌کنندگان از اهداف و اهمیت پژوهش از آگاهی نسبی برخوردار شدند و با رضایت آگاهانه شرکت در پژوهش را قبول نمودند. علاوه بر کسب رضایت آن‌ها جهت ضبط صدا، به مشارکت‌کنندگان حق انصراف از مشارکت و محرمانه بودن همه مشخصات آنان در کل فرایند پژوهش داده شد. طبق ملاحظات اخلاقی پژوهش و در جهت حفظ مشخصات مشارکت‌کننده‌ها، در یادداشت مطالب مصاحبه، برای مصاحبه‌شونده‌ها کد استفاده شد. پس از ضبط مصاحبه‌ها بعد از هر مصاحبه تحلیل صورت گرفت و پس از آن انجام مصاحبه بعدی و به همین ترتیب تا کسب اطمینان از اشباع مطالب فرایند مصاحبه ادامه یافت. برای انجام مراحل بعدی کار، تمام گفته‌های مشارکت‌کنندگان با رعایت امانت بر روی کاغذ پیاده‌سازی شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات بر اساس کدگذاری صورت گرفت. به این منظور بعد از پایان مصاحبه و پیاده‌سازی آن‌ها، از روش تحلیل مضمون استفاده شد. بر اساس روش تحلیل مضمون، تمام گفته‌های مشارکت‌کنندگان پس از پیاده شدن روی برگه، چندین بار مرور شد تا شناخت کلی از آن حاصل شود. طبقه‌بندی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بر اساس غرق شدن در اطلاعات، تکرار کدگذاری‌ها و مقایسه‌ها به صورت کدگذاری اولیه یا کدگذاری باز مشخص شد؛ صورت گرفت. سپس در مرحله دوم، داده‌ها بر اساس تفاوت‌ها و شباهت‌ها با یکدیگر مقایسه و در یک طبقه قرار گرفته و مضامین فرعی را تشکیل دادند. سپس کدهای مشابه در طبقات با نام‌های قابل درک و گویا قرار گرفتند و مضامین اصلی را شکل دادند. در مرحله پایانی نیز مضامین اصلی در یک مضمون محوری جای گرفتند. برای تضمین قابلیت اعتبار داده‌ها، روش چک کردن با مشارکت‌کنندگان به کار گرفته شد. پس از تحلیل هر مصاحبه و تحلیل مضمون‌ها، مجدداً به شرکت‌کننده مراجعه و صحت مضامین بررسی شد و در صورت

لزوم، تغییرات مدنظر اعمال شد. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن بود که پژوهشگر پیش فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات و تحلیل آن‌ها دخالت ندهد. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت، از مشورت و راهنمایی افراد متخصص در حوزه پژوهش و روش پژوهش استفاده شد. به‌منظور افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، اصل تنوع در طبقه مشارکت‌کنندگان لحاظ شد و سعی بر آن بود که مشارکت‌کنندگان از طبقات اجتماعی و اقتصادی و سنی مختلف باشند.

یافته‌ها

نمونه مورد مطالعه از ۱۲ شرکت‌کننده تشکیل شد که در یکی از ارگان‌های نظامی مشغول به خدمت بودند. دامنه سنی شرکت‌کنندگان از ۳۰ تا ۴۵ سال بود. سایر اطلاعات جمعیت شناختی در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. اطلاعات جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان (n=12)

متغیر تعداد	
جنسیت	مرد ۱۲
تحصیلات	کارشناسی ۶
	کارشناسی ارشد ۴
	دکتری ۲
	۱۱-۶
سابقه کاری (سال)	۵۷-۱۲
	۴۱۳-۱۸
	بالاتر از ۲۱۸
	متاهل ۱۲
تاهل	مجرد ۰
	۵۳۰-۳۵
سن	۵۳۶-۴۰
	۲۴۱-۴۵

همان‌گونه که در جدول ۱ مشخص است ویژگی‌های جمعیت شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش دارای تنوع کافی می‌باشد که این امر باعث دسترسی به غنای اطلاعاتی کافی می‌شود. پس از دستیابی به اشباع نظری در داده‌های حاصل از مصاحبه، اطلاعات موجود، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که حاصل این فرایند شناسایی صد و پنجاه و دو گزاره اولیه یا کدگذاری باز، چهل و هفت مضمون فرعی و هفت مضمون اصلی و یک مضمون هسته‌ای بود که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲- مضامین اصلی و فرعی شناسایی شده در ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی از مشاوره و تأثیرات آن

مضمون محوری مضامین اصلی مضامین فرعی			
مراجعه در مشکلات مدیریتی چون استرس شغلی	نقش حمایتی مشاوره در بحران‌ها و تعارض‌ها	مشاوره از یک‌سو به‌عنوان حرفه‌ای مقبول، تخصصی، ضروری و مبتنی بر فرهنگ و از سوی دیگر برخوردار از عوامل دفعی ناشی از عملکرد مشاور ادراک می‌شود	
مراجعه در مواردی که دران مسئله تجربه نداریم			
مراجعه در مشکلات شخصیتی			
مراجعه در بحران‌های زندگی			
مراجعه در هنگام ناتوانی			
مراجعه در سردرگمی‌های زندگی			
متعهدبودن مشاور	مشاوره؛ حرفه‌ای مبتنی بر صلاحیت		
صلاحیت داشتن مشاور			
شخصیت خود مشاور			
پیشنهاد مشاوره به دیگران	حرفه‌ای اثربخش		
تأیید مراجعه به مشاوره			
روشنفکربودن مراجعه‌کنندگان به مشاوره			
حس مثبت به مشاوره			
ضرورت و احساس نیاز به مشاوره			
ارزشمندی مشاوره			
نتیجه مثبت مشاوره			
تبحر و مهارت	تلفیقی از تخصص و مهارت		
تخصص			
هدایتگری			

مضمون محوری مضامین اصلی مضامین فرعی		
تجربه گری		حرفه‌ای مبتنی بر رابطه‌ی اعتماد
امنیت		
اطمینان		
اعتماد		
مشاوره سنتی	مستلزم ملاحظات بومی و فرهنگی	
بومی بودن مشاوره		
مشاوره بر مبنای اسلام		
بومی بودن مشاوره		
تناسب فرهنگی		
پایین بودن مهارت مشاوران	دیدگاه منفی نسبت به مشاوره و خدمات آن	
عملکرد ضعیف مشاوران		
عملکرد ناقص مشاوره		
عدم توجه به تفاوت‌های فردی		
مدرک گرایی مشاوران		
عملکرد منفی مشاوره		
عدم اطمینان به مشاوره		
برچسب اختلال روانی		
پیامد منفی تبلیغاتی مداخلات نامؤثر مشاوره		
نگاه اقتصادی مشاوران		
هزینه بر بودن مشاوره		
پیامدهای دافعه‌ای تعرفه بالای جلسات مشاوره		
نیاز به نظارت بر خدمات مشاوره		

نقش حمایتی مشاوره در بحران‌ها و تعارض‌ها، مشاوره حرفه‌ای مبتنی بر صلاحیت، حرفه‌ای اثربخش، تلفیقی از تخصص و مهارت، حرفه‌ای مبتنی بر رابطه‌ی اعتماد، مستلزم ملاحظات بومی و فرهنگی و دیدگاه منفی نسبت به مشاوره و خدمات آن به عنوان هفت مضمون اصلی در خصوص ادراک کارکنان نظامی نسبت به مشاور و تأثیرات آن شناسایی شده است. در نتیجه تحلیل داده‌های حاصل از مصاحبه شرکت کنندگان در پژوهش، اولین مضمون اصلی با عنوان نقش حمایتی مشاوره در بحران‌ها و تعارض‌ها، به دست آمد.

بر اساس بیانات شرکت کنندگان در پژوهش هنگام مواجهه با مواردی چون: مشکلات مدیریتی، مواردی که در آن تجربه نداریم، مشکلات شخصیتی، بحران‌های زندگی، هنگام ناتوانی و سردرگمی‌های زندگی با مراجعه به مشاور و بهره‌مندی از خدمات آن به عنوان یک نیروی کمک‌رسان، می‌توانند با این مشکلات و بحران به طور مطلوبی برخورد کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۴ بیان کرد: «فردی که قصد این کار را دارد حتماً خودش تجربه کافی در آن حوزه را ندارد و کارش به بن‌بست خورده و خودش نتوانسته از پشش بر بیاید و راهکارهای خودش پاسخگو نبود و احساس کرده دیگر نمی‌تواند و در چنته تجربه‌هایش نیست و دچار سردرگمی شده تصمیم گرفته به مشاوره به عنوان متخصصان حوزه مراجعه کند».

دومین مضمون اصلی با عنوان مشاوره؛ حرفه‌ای مبتنی بر صلاحیت به دست آمد. طبق اظهارات مشارکت‌کنندگان نوع مشاوره و خدمات آن با نوع شخصیت مشاور رابطه مستقیم دارد و از این رو کیفیت این خدمات از خود مشاور که ارائه‌دهنده مشاوره هست، تأثیر می‌پذیرد. به جهت این رابطه بر دقت نظر هنگام انتخاب فرد مشاور جهت دریافت خدمات مطلوب و تأثیرات بالاتر تأکید داشتند.

مشارکت‌کننده شماره ۹ بیان کرد: «مشکل من با نوع خدمات مشاوره نیست بلکه با شخص ارائه‌دهنده این خدمات هست بنابراین اگر از من درباره مراجعه به مشاوره پرسند اول کاری که می‌کنم این است که به او می‌گویم روی نوع مشاوره‌ای که انتخاب می‌کنید دقت کنید یعنی روی فردی که به عنوان مشاور قرار است انتخاب کنید که حتماً فرد مناسب و صلاحیت‌داری باشد، اگر نوع مشاور و فرد مشاور را درست انتخاب کنیم قطعاً مراجعه به مشاوره تأیید می‌شود و حتماً کمک خواهد کرد و نتیجه خوبی حاصل خواهد شد».

سومین مضمون تلقی مشاوره و تأثیرات آن به صورت حرفه‌ای اثربخش بود. مشارکت‌کنندگان معتقد بودند که مشاوره و خدمات آن فعالیت مطلوب و ارزشمند است که ضمن تأیید مراجعه خود به مشاوره، حاضر به پیشنهاد آن به دیگران نیز هستند. از نظر

این افراد کسانی که به مشاوره مراجعه می‌کنند دارای سطح بالایی از تفکر هستند که مشاوره و بهره‌مندی از خدمات آن را به‌عنوان یک ضرورت و نیاز مبتنی بر سلامت و بهزیستی در زندگی ادراک کرده‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ بیان کرد: «من موافق مراجعه به مشاوره هستم و اگر زمینه‌اش پیش بیاید حتماً به مشاور مراجعه می‌کنم و پیشنهاد استفاده از خدمات مشاوره به دیگران را نیز می‌دهم چرا که انسان‌ها هیچ‌وقت بی‌نیاز از مشاوره نیستند من موافق مراجعه به مشاوره هستم چون فردی که قصد این کار را دارد حتماً خودش تجربه کافی در آن حوزه را ندارد و به متخصصان حوزه مراجعه می‌کند و حتماً عملکرد بهتری کسب می‌کند تلقی من از فردی که به مشاوره مراجعه می‌کند فرد روشنفکری هست که همه‌چیز را می‌سنجد و به جلو می‌رود و می‌خواهد از نگاه علمی روز به مسئله نگاه کنند».

چهارمین مضمون شناسایی شده، تلقی مشاوره و تأثیرات آن تحت عنوان تلفیقی از تخصص و مهارت است. مشارکت‌کنندگان طی اظهارات خود اشاره داشتند که مشاوره یک حوزه کاملاً تخصصی و مهارت محور است که مشاور با توجه به این امر به ارائه خدمات یاورانه مشاوره‌ای می‌پردازد.

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان کرد: «به نظرم مشاور یعنی اهل فن، متخصص هر چیزی که اطلاعات تخصصی بالاتری هم دارد. نظر مشاور حتماً متمایز با نظر عامه مردم هم هست چون می‌خواهد از نگاه علمی و تخصصی به مسئله نگاه کند. مشاوره بحث عمومی و جنرال نیست بلکه یک رشته تخصصی در جامعه هست. مشاور کسی هست که در زمینه کاری خودش تخصصی عمل خواهد کرد و اطلاعاتی دارد که ما در آن زمینه بی‌اطلاع هستیم بنابراین مشاوره دادن نیازمند داشتن مهارت هست و بدون مهارت و تبحر نمی‌شود کار خوبی انجام داد».

پنجمین مضمون شناسایی شده، در رابطه با مفاهیم اعتماد و صداقت در مشاوره تحت عنوان حرفه‌ای مبتنی بر رابطه‌ی اعتماد است. مشارکت‌کنندگان ضمن مصاحبه خود بیان داشتند که هنگامی به مشاوره مراجعه می‌کنند که فضای امنیت، اعتماد و اطمینان بر آن

حاکم باشد و یکی از مواردی که مخالفان مراجعه به مشاوره، اعلام داشتند؛ عدم اعتماد و اطمینان به مشاور و خدمات مشاوره‌ای و اثربخشی آن بود؛ لذا این امر هم در ایجاد درک و دریافت مثبت و جذب مراجعان و نیز در کیفیت خدمات ارائه‌شده، نقش بسزایی دارد.

مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان کرد: «مشاوره کلمه است که ریشه‌اش از مشورت هست و به معنی جوابگویی و رفع نیازهای دیگران است. خود مشاوره چون ریشه قرآنی دارد برای خیلی‌ها احساس مطلوب و خوب دست می‌دهد یعنی آن ترس و واهمه نیست و یک ذهنیت مثبت ایجاد می‌شود و امنیت خاطر وجود دارد. خیلی‌ها هم ترس دارند ترس از اعتماد کردن به مطرح کردن مسائل و مشکلاتشان به دیگری و صمیمی شدن می‌ترسند و احساس امنیت ندارند».

ششمین مضمون شناسایی‌شده در خصوص ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی نسبت به مشاوره و تأثیرات آن، تحت عنوان مستلزم ملاحظات بومی و فرهنگی در انجام مشاوره و ارائه خدمات به مردم است.

مشارکت‌کنندگان اظهار داشتند که برای افزایش اثربخشی و کیفیت خدمات مشاوره‌ای، می‌بایست این امر با توجه به شرایط فرهنگ ایرانی-اسلامی صورت بگیرد و صرفاً بر اساس آموزه‌های روان‌شناسی غربی صورت نگیرد؛ چراکه الزامات و احتیاجات هر جامعه و فرهنگی خاص خودش می‌باشد.

مشارکت‌کننده شماره ۵ بیان کرد: «ما در یک جامعه اسلامی هستیم و جامعه اسلامی یکسری مواردی دارد که اختصاصاً برای خودش هست و اگر ما مشاوره می‌دهیم باید با متدهای اسلامی باشد و این نباشد که صرفاً یک چیزی را از غرب گرفته و آمده بر اساس این مطالعات به مردم نسخه بدهد قطعاً این نسخه‌هایی که در جوامع غربی پیچیده می‌شود در جوامع ما کاربرد ندارد و اگر می‌خواهند مشاوره بدهند باید شرایط اجتماعی فرهنگی دینی و سایر شرایط خاص جامعه را در نظر بگیرند و بر اساس متدهای اسلامی مشاوره بدهند. این نباشد که یک کتاب بیاورند و بر اساس آن صرفاً انتقال مطلب کند قطعاً در این صورت مشاوره مطلوب نخواهد بود. در بحث مشاوره یک خلأ احساس می‌شود و آن هم

این هست که بیان برای مشاوره یک آیتم و نسخه مهم برگرفته از اعتقادات و باورهای خودمان تهیه کنند یعنی بر اساس شرایط فرهنگی دینی اسلامی خودمان».

آخرین مضمون شناسایی شده در خصوص دیدگاه منفی نسبت به مشاوره و تأثیرات آن است. افراد در ضمن بیانات خود به نگرش منفی به مشاوره و تأثیرات آن به دلایل اقتصادی، کم مهارتی مشاوران و مسائل فرهنگی جامعه اشاره کردند.

افراد حاضر در پژوهش در رابطه با علل نگرش منفی خود یا اطرافیان نسبت به مشاوره و خدمات آن، مواردی چون هزینه بالای این خدمات، تجربه منفی استفاده از این خدمات و مسائل فرهنگی و برچسب‌های منفی جامعه به مراجعین را مطرح کردند.

مشارکت‌کننده شماره ۸ بیان کرد: «بعضی از مشاوران چون تجربه و تبحر و مهارت کافی در این رشته را ندارند، باعث نتیجه منفی در افراد می‌شوند و این طور دل‌زدگی ایجاد می‌کنند. وقتی فرد تجربه ناکامی از خدمات مشاوره دارد دیگران را تشویق به استفاده از خدمات نمی‌کنند خودش هم ممکن است در بعضی مواقع مانع استفاده دیگران از این خدمات شود و تبلیغ منفی انجام دهد. من خودم این کار مراجعه به مشاوره را تأیید نمی‌کنم چون به نظرم مشاوره نداریم که تبحر و مهارت کافی داشته باشد و صرفاً مدرک».

مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان کرد: «بحث هزینه خیلی بر روی مراجعه به مشاور مؤثر است متأسفانه خیلی از مشاوره‌ها الآن هزینه گزافی می‌گیرند اثر این زیاد بودن تعرفه‌ها این هست که منی که به مشاور نیاز دارم مراجعه نکنم چرا که بار مالی بالایی برایم به وجود می‌آورد و این بار مالی برای مشکل‌سازتر هست. چون هزینه مشاوره تحت بیمه هم نیست».

مشارکت‌کننده شماره ۳ بیان کرد: «مشاور متأسفانه در کشور ما جا نیفتاده و فرهنگ مشاوره در مملکت ما خیلی عقب هست یعنی در فرهنگ پایینی قرار دارد و خیلی از خانواده‌ها فکر می‌کند اگر برویم پیش مشاور ضعف داریم یا دیوانه‌ایم یا از نظر روانی مشکل داریم و... بنابراین گستره مشاوره در کشور ما جا نیفتاده است».

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف شناسایی ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی نسبت به مشاوره و

تأثیرات آن، به روش کیفی انجام شد. بر اساس نتایج آن، دیدگاه و ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی از مشاوره و تأثیرات آن؛ در هفت مقوله: ۱- نقش حمایتی مشاوره در بحران‌ها و تعارض‌ها ۲- مشاوره؛ حرفه‌ای مبتنی بر صلاحیت ۳- حرفه‌ای اثربخش ۴- تلفیقی از تخصص و مهارت ۵- حرفه‌ای مبتنی بر رابطه‌ی اعتماد ۶- مستلزم ملاحظات بومی و فرهنگی و ۷- دیدگاه منفی نسبت به مشاوره و تأثیرات آن نمایان است.

بر این اساس، مشاوره از یک سو به عنوان حرفه‌ای مقبول، تخصصی، ضروری و مبتنی بر فرهنگ و از سوی دیگر برخوردار از عوامل دفعی ناشی از عملکرد مشاور ادراک می‌شود. بنابراین مشاوره به عنوان یک حرفه تخصصی و پذیرفته شده، نقش حیاتی در نظام‌های حمایت روانی و اجتماعی ایفا می‌کند که تأثیر مستقیمی بر بهبود کیفیت زندگی و ارتقای سلامت روانی مراجعان دارد (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۶). این حرفه که ریشه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه دارد، با بهره‌گیری از دانش تخصصی و مهارت‌های عملی، در شرایط بحرانی و موقعیت‌های تعارضی با جلب اعتماد و اطمینان مراجعان، خدمات حمایتی مؤثر و مطلوبی ارائه می‌دهد (وریانی، ۱۴۰۳). فرآیند کمک‌رسانی، به منظور آن که از قالب صرف‌پند و اندرز یا اطلاع‌رسانی خارج شده و در مسیر مشخص و برنامه‌ریزی شده‌ای حرکت کند، نیازمند تکیه بر اصول علمی و تخصصی است. این اصول شامل تسلط بر رویکردهای نظری در حوزه روان‌درمانی و مشاوره بوده که در قالب استانداردهای حرفه‌ای، توسط انجمن‌های علمی معتبر تدوین و تعیین شده‌اند. رعایت این چارچوب‌ها موجب می‌شود که فرآیند یاری‌رسانی از سطحی‌نگری فاصله گرفته و به شیوه‌ای ساختارمند، اثربخش و مبتنی بر شواهد علمی انجام پذیرد (چوپانی و کرمی، ۱۳۹۸). با این حال، عملکرد مشاوران ممکن است به دلیل عوامل مختلفی مانند کمبود مهارت‌های تخصصی، عدم انطباق فرهنگی و مشکلات ارتباطی دچار اختلال شود که این عوامل بازدارنده، اثربخشی مشاوره را تحت تأثیر قرار می‌دهند (حسینی و جوکار، ۱۳۹۸)؛ بنابراین، توسعه مستمر صلاحیت‌های حرفه‌ای و توجه دقیق به ویژگی‌های فرهنگی و بومی مراجعان از مؤلفه‌های کلیدی در بهبود کیفیت خدمات مشاوره است (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۶).

شخصیت و ویژگی‌های فردی مشاور مانند همدلی، صداقت و توانایی برقراری ارتباط مؤثر، نقش مهمی در جلب اعتماد و رضایت مراجعان داشته و به افزایش اثربخشی فرآیند مشاوره کمک می‌کند. ازجمله اساسی‌ترین ابعاد شایستگی مشاوران، برخورداری از شایستگی‌های شخصیتی است، مشاوران برای موفقیت در عرصه حرفه‌ای و جهت داشتن جلسات درمانی موفق و کارآمد با مراجعین مختلف به انواعی از صفات شخصیتی نظیر تعهدمداری، انعطاف‌پذیری و برون‌گرایی نیاز دارند، صفاتی که زمینه عملکرد مطلوب‌تر این گروه را در عرصه حرفه‌ای خویش فراهم می‌آورد (محمودی احمدآبادی و میرحسینی چاهوکی، ۱۴۰۱). ازاین‌رو، نظام‌های مشاوره‌ای برای حفظ و ارتقای کیفیت خدمات، نیازمند سیاست‌گذاری‌های حمایتی و برنامه‌های آموزشی هدفمند جهت ارتقای مهارت‌ها و نگرش‌های حرفه‌ای مشاوران هستند. همچنین، توجه ویژه به بوم‌شناسی فرهنگی مراجعان و درک شرایط اجتماعی و فرهنگی آنان، زمینه‌ساز ارائه خدمات متناسب و مؤثر می‌شود که نهایتاً به افزایش رضایت و مشارکت فعال مراجعان در فرآیند مشاوره منجر می‌گردد (وریانی، ۱۴۰۳). مسئولان حوزه مشاوره باید با حمایت ساختاری و تخصیص منابع کافی، زمینه‌های توسعه کمی و کیفی این حرفه را فراهم کنند تا مشاوره به‌عنوان نهادی مؤثر و پایدار در حمایت از سلامت روان جامعه ایفای نقش نماید (شفیع‌آبادی، ۱۳۹۶).

در تبیین این یافته‌ها می‌توان چنین اظهار داشت که ویژگی‌های شخصیتی مشاور به‌مثابه مجموعه‌ای از خصوصیات پایدار روان‌شناختی، هیجانی، رفتاری و اخلاقی، نقش بنیادینی در اثربخشی فرآیند مشاوره ایفا می‌کنند. این ویژگی‌ها موجب تمایز مشاور از سایر افراد و تقویت تعامل یاری‌گرانه در فضای مشاوره می‌شوند. به‌ویژه در مشاوره خانواده، صفاتی مانند صداقت، رازداری، احترام به شخصیت مراجع، توانایی ایجاد فضای آرام و انگیزه‌بخش، در افزایش احساس امنیت روانی مراجع و ایجاد رابطه درمانی مؤثر، نقش حیاتی دارند (جهانتیغ، ۱۳۹۳). افزون بر این، برخورداری مشاور از بلوغ روانی در ابعاد مختلف ازجمله عقلانی، عاطفی، خلقی، اجتماعی و جنسی، همراه با ثبات هیجانی، اعتمادبه‌نفس، توانایی تحلیل موقعیت‌ها و انعطاف‌پذیری شناختی، از شاخصه‌های ضروری

برای اداره مؤثر جلسات مشاوره به شمار می‌آیند (دیباواجاری، ۱۳۹۲). چنین ویژگی‌هایی مشاور را قادر می‌سازد تا در مواجهه با مسائل پیچیده خانوادگی، تحلیل عمیق‌تری ارائه داده و به انتخاب راهکارهای متناسب‌تری دست یابد. از سوی دیگر، ابعاد ارتباطی غیرکلامی مانند تن صدا، سرعت و شدت گفتار، نحوه نشستن، فاصله فیزیکی مناسب با مراجع، پوشش حرفه‌ای و حرکات صورت نیز بخشی از مهارت‌های مهم ارتباطی محسوب می‌شوند که مستقیماً بر کیفیت رابطه درمانی اثرگذارند. تسلط مشاور بر این مؤلفه‌ها، به‌ویژه در جلساتی با بار هیجانی بالا، می‌تواند زمینه‌ساز احساس درک، همدلی و پذیرش در مراجع باشد (حسینیان و خدابخشی کولایی، ۱۳۹۴). در مجموع، می‌توان گفت که ترکیب متعادل ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اخلاقی و توانایی‌های ارتباطی، سه ضلع اصلی شایستگی حرفه‌ای مشاور خانواده را تشکیل می‌دهند؛ شایستگی‌هایی که نه تنها بر فرآیند مشاوره اثر می‌گذارند، بلکه در تثبیت رابطه‌ی درمانی، بهبود نتایج درمانی و ارتقاء رضایت مراجعان نیز نقش آفرین‌اند. هم‌چنین در تبیین یافته‌ی توجه به بوم و فرهنگ در ارائه خدمات مشاوره‌ای، می‌توان اظهار داشت که ویژگی‌های شخصیتی مشاور، همچون بلوغ هیجانی، ثبات خلقی، صداقت، رازداری، توانایی همدلی، احترام به شخصیت مراجع و مهارت در برقراری ارتباط، به عنوان مجموعه‌ای از خصوصیات پایدار روانی و رفتاری، در شکل‌گیری یک رابطه مؤثر مشاوره‌ای نقش اساسی ایفا می‌کنند. در کنار این ویژگی‌ها، بستر فرهنگی و سازمانی‌ای که مشاوره در آن اتفاق می‌افتد نیز نقشی تعیین‌کننده دارد. یکی از محیط‌های منحصربه‌فرد در این زمینه، ساختار فرهنگی و سازمانی نیروهای مسلح است که ویژگی‌هایی چون نظم، سلسله‌مراتب، اعتماد نهادی، محرمانگی بالا و پایندی به ارزش‌های مذهبی و ملی در آن برجسته است (زرقانی و همکاران، ۱۴۰۱). فرهنگ سازمانی نیروهای مسلح نه تنها بر نگرش کارکنان نسبت به فرآیند مشاوره اثر می‌گذارد، بلکه شیوه تعامل آنان با مشاور، نوع مسئله‌مندی که مطرح می‌شود و نیز انتظاراتشان از جلسات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. در این میان، عدم درک کافی مشاور از این فرهنگ خاص می‌تواند موجب کاهش اعتماد مراجع، مقاومت در برابر فرآیند

درمان و حتی قطع ارتباط مشاوره‌ای شود. از این رو، مشاورانی که در این ساختارها فعالیت می‌کنند، باید از شایستگی فرهنگی برخوردار باشند و توانایی تحلیل و تفسیر رفتار و گفتار مراجع را در بستر فرهنگ سازمانی خاص او داشته باشند. کوماس دیاز (۲۰۱۴) بر این باور است که هر جامعه دارای نظام ارزشی و فرهنگی خاص خود است که از همان ابتدا بر فرآیند درمان سایه می‌اندازد. به همین دلیل، کار با هر مراجع، مستلزم آشنایی دقیق با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سازمانی اوست. در همین راستا، سو و سو (۲۰۰۸) نیز تأکید می‌کنند که فرآیند مشاوره زمانی اثربخش خواهد بود که مشاور بر فرهنگ مراجع، ارزش‌های زمینه‌ای و بافت محیطی او تسلط داشته باشد و هم‌زمان نسبت به پیش‌فرض‌های فرهنگی خود نیز آگاه باشد تا بتواند تعاملی بین‌افردی و بین‌فهمی ایجاد کند. در همین راستا، شفیع‌آبادی (۱۳۹۴) نیز اشاره می‌کند که موفقیت در فرآیند مشاوره زمانی حاصل می‌شود که مشاور درک مناسبی از شرایط بومی، فرهنگی و ارزشی مراجع داشته باشد و جلسات درمانی را متناسب با همین شرایط تنظیم و هدایت نماید. این موضوع در مورد نیروهای مسلح، به سبب ساختار رسمی، هنجارهای خاص و حساسیت‌های امنیتی و روانی، اهمیتی دوچندان دارد و نیازمند آموزش‌های خاص، مهارت‌های فرهنگی و توانمندی‌های رفتاری دقیق‌تری از سوی مشاور است؛ بنابراین، در ساختارهایی چون نیروهای مسلح، مشاوره نه تنها یک رابطه تخصصی بلکه رابطه‌ای فرهنگی و ساختارمند است که در بستر اعتماد، محرمانگی و هویت سازمانی شکل می‌گیرد. مشاور باید بتواند با احترام به این فرهنگ و ادراک دقیق از آن، نقش یاری‌رسان خود را ایفا کند و فرآیندی اثربخش، واقع‌بینانه و همدلانه با مراجعان سازمانی برقرار سازد.

مشاوره به صورتی که امروزه مطرح می‌گردد و تأکید زیادی که بر علمی و تخصص بودنش اعمال می‌شود، از پدیده‌های قرن بیستم به شمار می‌رود و به لحاظ اهمیت فراوان آن در کار با فرد و گروه، مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، روان‌کاوان و مددکاران و سایرین قرار گرفته است، به نحوی که می‌توان مدعی شد که مشاوره یکی از حوزه‌های در حال گسترش در علوم انسانی و علوم اجتماعی است. بعد تخصصی بودن مشاوره تا حدی با

نتایج حاصل از پژوهش‌های کاویانی و همکاران (۱۳۸۱)، شفیع‌آبادی (۱۳۹۴)، اسکاوه‌ولت و جنینگز (۲۰۰۴)، سردنیسیو (۲۰۱۳)؛ که از دانش علمی مشاوران به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابعاد شایستگی مشاوران یاد می‌کنند، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت برای آن‌که فرایند کمک‌رسانی مشاوره به نحو صحیح و مؤثری اتفاق بیافتد، می‌بایست این خدمات به‌صورت برنامه‌ریزی‌شده و مبتنی بر اصول و تخصص خاص خود صورت گیرد.

بعد مهارتی مشاوره، با نتایج بسیاری از پژوهش‌های دیگر نظیر تام (۲۰۱۲)، هاکنی و کورمیر (۲۰۱۴)، کمپاس دیاز (۲۰۱۱)؛ آرکوویتز و سِترا (۲۰۰۹) که بر شایستگی‌های مهارتی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین ابعاد مشاوران تأکید می‌کنند، همخوانی دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت مشاوره یک هنر است که لازمه کسب و تسلط بر آن، کسب یکسری مهارت‌های پایه و خرد، مانند: گوش دادن فعال، فن روشن‌سازی، مواجهه، قضاوت مستدل، مهارت-های بیانی، برخورد درمانی با سکوت، انعکاس احساسات، سؤال‌های باز و بسته و... می‌باشد که بدون آن‌ها مشاور مهارت بالایی برای کمک به حل مشکلات مراجعین و کمک به توانمندسازی آن‌ها نخواهد داشت. چوپانی و کرمی (۱۳۹۷) نیز در پژوهش خود مواردی چون: ارجاع، مهارت در مشاوره زناشویی- خانوادگی، مصاحبه، بازی درمانی، کوتاه کردن فرایند درمانی، کاربست فنون، حل انتقال و انتقال متقابل، تسهیل‌سازی، آغاز، تداوم و پایان بخشی مشاوره، انعکاس، تصمیم‌گیری، امنیت بخشی، رهبری و نفوذ، ارتباط با کودک، سؤال پرسیدن، تماس چشمی، مشاوره گروهی، گوش دادن فعال، معنایابی زبان بدن، برنامه‌ریزی، خودارزیابی، تخلیه هیجانی، کنترل هیجانی، روشن‌سازی، مواجهه، فعال کردن مراجع، تشویق کردن، مرزبندی جلسات، مشاهده دقیق، الگودهی، خلاصه کردن، ایفای نقش، قاب دهی مجدد، ایجاد اعتماد بین فردی، بازخورد و سازمان‌دهی جلسات در جریان تحلیل داده‌ها را به‌عنوان ابعاد اصلی و تأثیرگذار بر مهارت مشاور بیان می‌کند. در زمینه توجه مشاوره به بوم و فرهنگ، هدایتی (۱۳۹۰) در پژوهش خود اشاره می‌کند که مشاوره باید متناسب با نیازها و ویژگی‌های

منحصربه‌فرد مراجع و محیطی باشد که فرد در آن رشد کرده و به مشکل برخورد کرده است. این فرایند تحت تأثیر نظام باورها، ارزش‌ها و نحوه نگرش مشاور به انسان، جهان‌بینی او، چهارچوب نظری و مکاتب روان‌شناختی موردقبول اوست. بنابراین توجه و تسلط مشاور بر فرهنگ محیطی که در آن خدمات مشاوره را ارائه می‌دهد، یکی از ابعاد تأثیرگذار بر کیفیت این گونه خدمات به شمار می‌آید. در یک نگاه کلی به یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی از مشاوره و تأثیرات آن؛ یک فعالیت یاورانه‌ی تخصصی و مهارتی است که مبتنی بر اعتماد و اطمینان میان مراجع و مشاور، از شخصیت مشاور و بوم و فرهنگ محیط خود تأثیر می‌پذیرد. در این راستا انجام این خدمات با نواقصی چون ضعف مهارتی مشاوران و هزینه بالای جلسات مشاوره همراه است که بهبود کیفیت این خدمات مستلزم توجه مسئولین امر می‌باشد. با توجه به نتایج این پژوهش و برای بهره‌مندی مطلوب کارکنان نظامی از خدمات مشاوره در جهت بهبود مسائل روان‌شناختی و انجام بهتر وظایف خویش؛ پیشنهادهایی عرضه می‌شود. با توجه به اهمیت مشاوره به عنوان حرفه‌ای مبتنی بر تخصص، مهارت و اعتماد، پیشنهاد می‌شود دوره‌های آموزشی ویژه‌ای برای مشاوران برگزار شود که ضمن ارتقای مهارت‌های تخصصی و ارتباطی، بر شناخت عمیق بوم فرهنگی و ارزش‌های سازمانی نیروهای مسلح تمرکز داشته باشد. این آموزش‌ها باید توانایی مشاوران را در ایجاد رابطه مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل با مراجعان نظامی تقویت کند تا خدمات مشاوره‌ای اثربخش‌تر و مقبول‌تر گردد. همچنین با توجه به وجود نگرش‌های منفی نسبت به مشاوره و خدمات آن در میان کارکنان نظامی، لازم است برنامه‌های فرهنگ‌سازی مستمر و هدفمند در سطح سازمان طراحی و اجرا شود. این برنامه‌ها می‌تواند شامل کارگاه‌های آشنایی با مزایای مشاوره، معرفی موفقیت‌های مشاوره‌ای در محیط نظامی و ارائه تجربیات مثبت از کاربران خدمات مشاوره باشد تا ضمن کاهش مقاومت‌های روانی، پذیرش مشاوره به عنوان منبع حمایتی و حرفه‌ای سودمند در میان کارکنان افزایش یابد. علاوه بر محدودیت مربوط به جامعه آماری متمرکز بر کارکنان نظامی استان همدان، یکی دیگر از محدودیت‌های پژوهش،

استفاده از روش کیفی و به ویژه پدیدارشناسی است که ممکن است باعث شود نتایج پژوهش بیشتر به تفسیرهای فردی و تجربه‌های شخصی شرکت‌کنندگان وابسته باشد و از این رو، قابلیت تعمیم نتایج به جمعیت‌های گسترده‌تر کاهش یابد. همچنین، ممکن است در روند جمع‌آوری داده‌ها، عوامل غیرقابل کنترل مانند تمایل شرکت‌کنندگان به پاسخ‌های اجتماعی پسند یا محدودیت‌های زمان مصاحبه بر کیفیت داده‌ها تأثیر گذاشته باشد؛ بنابراین، توصیه می‌شود در مطالعات آینده از روش‌های ترکیبی (کمی-کیفی) استفاده شود تا علاوه بر عمق تبیین، دامنه تعمیم نیز افزایش یابد. با این وجود این پژوهش می‌تواند زمینه پژوهش‌های دیگر جهت دستیابی اطلاعات کامل‌تر در حوزه نگرش و فرهنگ مشاوره را فراهم سازد.

تعارض منافع

در این پژوهش، تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Javad Khodadadi
Sangdeh
Zohreh Moradi



<https://orcid.org/0000-0002-5972-6629>



<https://orcid.org/>

منابع

- احمدی، خدابخش. (۱۳۷۸). الگوهای اختلال در سیستم خانواده‌های پرسنل نظامی. خلاصه مقالات همایش مسائل روان‌شناختی در نیروهای نظامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله عجل‌الله، تهران، ۱۶-۱۷.
- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۲). بررسی عوامل مؤثر بر کاهش و افزایش سازگاری زوجین. پژوهشکده طب رزمی، مرکز تحقیقات علوم رفتاری و پژوهش، دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله عجل‌الله، ۱۲-۱۵.
- احمدی، خدابخش. (۱۳۸۶). بررسی نیازهای خانوادها به خدمات مشاوره‌ای. فصلنامه مطالعات فرهنگی-دفاعی زنان، ۳ (۱۰)، ۶۸-۹۱.
- احمدی، خدابخش، سوری، فاطمه، فتحی آشتیانی، علی، میرزمانی، محمود و عرب‌نیا، علیرضا. (۱۳۸۵). بررسی نیازهای خانوادها کارکنان نظامی نسبت به خدمات مشاوره. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۴ (۱)، ۷۶۱-۷۶۹.
- اردبیلی، یوسف. (۱۳۸۵). اصول و فنون راهنمایی و مشاوره در آموزش و پرورش. تهران: بعثت.
- اسفندیار آزاد مرزآبادی، روح‌الله، زمانی‌نسب، سید مرتضی و هاشمی‌زاده، مرتضی. (۱۳۹۱). روانشناسی نظامی. سال ۳، شماره ۱۰، تابستان.
- اسکندری، محسن، احمدی، خدابخش و انیسی، جعفر. (۱۳۹۰). بررسی رابطه مدت حضور در مناطق مرزی و سلامت روان در یک نیروی نظامی. فصلنامه روانشناسی نظامی، ۲ (۵)، ۳۹-۴۶.
- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- بوربور، وحید، معینی، فاطمه و طاهری، نجمه. (۱۳۹۸). بررسی میزان سلامت روان در نیروهای نظامی ایرانی: یک مطالعه مروری منظم. اولین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در روانشناسی، مشاوره و علوم رفتاری، تهران. <https://civilica.com/doc/913059>
- بونر، جرد و وانک، مایکل. (۲۰۱۱). نگرش و تغییر نگرش. ترجمه جواد تبریزیان. تهران: انتشارات رشد.
- پایان‌نامه دیباواجاری، مریم. (۱۳۹۲). صلاحیت‌های مشاوره چندفرهنگی مشاوران قومیت‌های

- مختلف شهر تهران در ابعاد دانش، آگاهی و مهارت. پایان‌نامه دکتری، رشته مشاوره، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران.
- تندپور، غلامرضا و نیاوند، علیرضا. (۱۴۰۴). ارتقاء سلامت روان و رفاه کارکنان در بخش دولتی: طراحی و پیاده‌سازی برنامه‌های جامع سلامت روان و کاهش استرس شغلی. دهمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، حقوق، مطالعات اجتماعی و روانشناسی. <https://civilica.com/doc/2294931>
- جواهری، مهدی، حسینی، رضا و کامرانی، نرگس. (۱۴۰۱). بررسی تأثیر استرس شغلی بر رضایت شغلی و بهره‌وری در سازمان‌ها. فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی، ۱۰ (۱)، ۳۷-۴۵.
- جهاننیک، فاطمه. (۱۳۹۳). توانمندسازی اخلاقی مشاوران خانواده‌های دارای افراد با نیازهای ویژه. نخستین همایش ملی توانمندسازی فردی اجتماعی افراد با نیازهای ویژه، قائنات. <https://civilica.com/doc/552395>
- چوپانی، موسی و کرمی، مرتضی. (۱۳۹۸). معماری شایستگی‌های مشاوران مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی: ارائه الگو مبتنی بر داده‌های کیفی (مطالعه موردی: مراکز مشاوره شمیم وابسته به نیروهای مسلح ج.ا.ا.). فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۰ (۳۷)، ۱-۳۹. doi: 10.22054/qccpc.2019.36911.2001
- دشتی، محمد. (۱۳۹۲). سنگ صبور بچه‌ها باشیم. فصلنامه رشد آموزش مشاوره مدرسه، ۸ (۴)، ۱۹-۱۵.
- زرقانی، سید هادی، عابدی شجاع، فرزاد، بخشی، فاطمه و حجتی‌پناه، نرگس. (۱۴۰۱). بررسی و تبیین فرهنگ و رفتار سازمانی نیروهای مسلح از منظر حضرت امام (ره). مدیریت نظامی، ۲۲ (۸۷)، پاییز ۱۴۰۱. <https://ensani.ir/fa/article/528739>
- سلیمی، محمدرضا و روح‌انگیز، شرفی. (۱۳۹۴). بررسی ساختار و ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۷۲). راهنمایی و مشاوره کودک. تهران: سمت.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۸۳). راهنمایی و مشاوره تحصیلی و شغلی. تهران: سمت.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۹۴). روش‌ها و فنون مشاوره. تهران: کتاب فکرنو.
- شیرکوند، شهرام. (۱۳۸۹). اثر تغییر نگرش بر تغییر رفتار. روزنامه همشهری آنلاین، سوم مهر.
- عباسی اسفنجانی، حسین. (۱۴۰۲). نقش واسطه‌گری جامعه‌پذیری و هویت‌سازمانی بین رهبری

معنوی و عملکرد کارکنان در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی. مدیریت سازمان‌های دولتی،

۱۱ (۲)، ۲۱-۴۲. doi: 10.30473/ipom.2023.67130.4794

عیسی مراد، ابوالقاسم. (۱۴۰۴). وضعیت‌سنجی اختلالات روانی در مراجعان مراکز خدمات روان‌شناختی و مشاوره شهر تهران. فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۶ (۶۲)، ۱۹۹-۲۲۰.

doi: 10.22054/qccpc.2025.79472.3307

فضل‌طلب، حمیدرضا، جمشیدی، فاطمه و جباری، مصطفی. (۱۴۰۴). سلامت روان کارکنان در سازمان‌ها: چالش‌ها و راهکارهای ارتقا. نشریه علمی رویکردهای پژوهشی نوین مدیریت و حسابداری، ۹ (۳۲)، ۱۴۴۹-۱۴۵۳.

کاویانی، حسین، نوری‌زاده، مریم، پورناصح، مهرانگیز و قدس‌میرحیدری، سیمین. (۱۳۸۱). جایگاه مشاوران مدارس و موانع مشاوره. فصلنامه تازه‌های علوم شناختی، ۴ (۱)، ۶۹-۸۱. کریمی، یوسف. (۱۳۸۲). روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم، کاربردها). تهران: چاپ یازدهم نشر ارسباران.

کلانتری، مهرداد، یازرلو، محمدتقی و مهرابی، حسینعلی. (۱۳۹۶). بررسی اثربخشی درمان گروهی مبتنی بر پذیرش و تعهد بر کیفیت زندگی کارکنان در یک واحد نظامی. <https://civilica.com/doc/934927> محمدپور، احمد. (۱۳۹۷). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. قم.

مدنی، یاسر و باهنر، فهیمه. (۱۳۹۹). رهیافتی پدیدارشناسانه بر دیدگاه مشاورین نسبت به مراکز مشاوره اسلامی. پژوهش‌های مشاوره، ۱۹ (۷۴)، ۱۰۶-۱۳۶.

مرزآبادی، آزاد و سلیمی، اسفندیار. (۱۳۷۸). بررسی استرس‌های شغلی کارکنان یک واحد نظامی. مجله طب نظامی، ۴ (۲۲)، ۲۱۴-۲۷۹.

References

- Arkowitz, H., & Westra, H. A. (2009). Introduction to the special series on motivational interviewing in the treatment of psychotherapy. *Journal of Clinical Psychology*, 65(11), 1149-1155.
- Boyatzis, R. E. (1998). *Transforming qualitative information: Thematic analysis and code development*. Sage.
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.

- Comas-Diaz, L. (2014). The future of psychotherapy with ethnic minorities. *Journal of Psychotherapy*, 29(1), 88–94.
- Hackney, K., & Cormier, D. (2014). *The professional counselor* (5th ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Katzovitz, F. N. (2023). *The stigma of seeking mental healthcare among servicemembers: A scoping review and gap analysis with implications for future research*. United States Air Force, Graduate School of Nursing, Uniformed Services University of the Health Sciences.
- Paul, H., & Rapheal, S. (2009). Research ethics review: Do it once & do it well. *CMAJ. Journal of Psychology*, 18(6), 597–598.
- Serdenciuc, N. L. (2013). Competency-based education: Implications on teachers' training. *Social & Behavioral Sciences*, 76(1), 754–758.
- Shallcross, L. (2011). Taking care of yourself as a counselor. *Counseling Today*, 53(7), 30–37.
- Smith, J. A., Johnson, R. L., & Carter, M. E. (2016). No man left behind: Effectively engaging male military veterans in counseling. *American Journal of Men's Health*, 10(6), 515–527. <https://doi.org/10.1177/1557988316630538>
- Tomm, K. M. (2012). One perspective on the Milan approach: Part I. Overview of development, theory, & practice. *Journal of Material & Family Therapy*, 10(1), 113–125.
- Wang, Y. H., Hu, Ch., Hurst, C. S., & Yang, Ch. Ch. (2014). Antecedents and outcomes of career plateaus: The roles of mentoring others and proactive personality. *Journal of Vocational Behavior*, 85(3), 319–328.

استناد به این مقاله: خدادادی سنگده، جواد، مرادی، زهره. (۱۴۰۴). مطالعه پدیدارشناسانه ادراک کارکنان سپاه پاسداران اسلامی از مشاوره و تأثیرات آن، فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، ۱۶(۶۴)، ۱۵۵–۱۸۰. DOI: 10.22054/qccpc.2025.74715.3152



Counseling Culture and Psychotherapy is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.